

مَم و زین شاهنامه ملی کرد

(اثر احمد خانی، ادیب بزرگ ملت کرد)



Ehmedê Xanî : Kurdish Writer, Poet, Philosopher.
Born: 1650 AD, Colemêrg (Hakkari Province).
Died: 1707 AD, Dubayezit (Agrî Province).

Mem û Zîn (the Kurdish national literary epic).

احمد خانی (Ehmedê Xanî, ۱۶۵۰ – ۱۷۰۷ AD) فرزند آقای شیخ الیاس و خانم گل نگار، فیلسوفی ژرف نگر، عارفی شهیر، نویسنده ای زیردست و شاعر بلند آوازه ملت کرد می باشد که با آفرینش ادبی حماسی خود فرهنگ و زبان کرمانجی را توانی روزافزون بخشید و زبان کردی را به صورت زبان ادبی و فرهنگی در آورد، در واقع با فرهیختگی تمام عیار خویش ارزش پاسداری از فرهنگ و ادب کردی را به بالندگی و پایداری ازلی رهنمون شد. احمد خانی که از ایل خانها (êla xanan) می باشد در منطقه بزرگ جزیره بهتان آن روزگار (قسمت جنوبی استان هکاری در کردستان باکوور - ترکیه) و منطقه دوبایزید بیشتر عمر خود را در خدمت به ملت خویش سپری کرد.

احمد خانی که همچنین زبان و ادبیات کرمانجی را نیز در حد پایه ای تدریس می کرده است در سال ۱۶۸۳ میلادی کتاب فرهنگ لغت (کرمانجی-عربی) نوبهار بچه ها (Nûbihara Qiçûkan) را در غالب شعر و به زبان مردم و ملت خود یعنی کرمانجی نوشت تا به آموزش و تحصیل شاگردها و محصلین خود کمک شایانی کرده باشد و زبان کرمانجی را عملاً وارد صحنه آموزش و تحصیلی کند (گرچه زبان مکتب ها و مدارس در آن روزگاران زبان قرآن و عربی بود). در این کتاب با توجه به اینکه در ابتدای هر بخش از اشعار، هم حالتی از پند

و نصیحت در شکل گیری فضیلت انسانی برای بچه ها را بیان داشته، و هم حالت وزن و بحرهای شعر را مشخص و منظوم می کند، لذا از دیدگاه آموزشی علمی ادبی در نوع خود هنری است بی همتا.

اما مهمترین و پرآوازه ترین سروده و نوشته احمد خانی، که در واقع از بزرگترین آثار ادب کردی است همانا مم و زین می باشد که داستان نویسی عشقی - رزمی در فرهنگ و ادب کردی را به اوج خود رسانده است که بعنوان شاهنامه ملت کرد بنام است، که حدود ۲۷۰۰ بیت شعر و در سال ۱۶۹۵ میلادی نوشته شده و در تاریخ به ثبت رسیده است. مم و زین آفریده ذهن خلاق و طبع موزون احمد خانی است و در این مثنوی داستان پر سوز و گداز عاشقانه مم و زین استادانه به رشته نظم درآمده است. احمد خانی سخن سرای نامی کرمانج، قهرمانی حماسه سرا و ملی گرایی شکوهمند در میان ملت کرد و دیگر ملتها شهره عام و خاص است (در واقع همانطور که ابوالقاسم فردوسی منظم و نویسنده شاهنامه برای ملیت پارس مهم است به همان اندازه نیز احمد خانی برای ملیت کرد مهم است). احمد خانی از شخصیت‌های برجسته ملت کرد در قرن ۱۷ ام میلادی است که نام ملت کرد و منافع ملی و میهن دوستی کردی در سرزمین مادریش کردستان را در تاریخ به نیکی و به شایستگی در غالب شعر به ثبت رسانده است.

احمد خانی با سرودن مم و زین بر پایه داستان ها و وقایع حقیقی کهنی که بصورت شفاهی و گفتاری در میان مردم جای داشته و جاری بوده اند فرهنگ و ادب کردی را از لابلای گرد و غبار روزگار تا ابد رهانیده است. چیرگی متجاوزین بر سرزمین کردستان و اشغال کردستان توسط بیگانگان و هم اینک جانمایه توانمندی ملت کرد در پروسس رهایی از چیرگی اشغال گران ظالم، از گرایش کردها به کتابهای ملی - حماسی برای بازیابی کیستی (هویت) فراموش شده خویش می باشند تا که میهن دوستی، آداب و رسوم، فرهنگ و هنر و ادب، عرف و سنتهای کردی خود را با حفظ هویت کردی مدرن، بروز و برای همیشه جاودانه کنند.

احمد خانی بزرگ مرد فرهنگ و ادب کردی از نکاوت، بلاغت و فصاحت معجزه آسای خویش یاری گرفت و ۵ اثر گرانبور و بی همتای (مثنوی مم و زین، نوبهار بچه ها، دیوان احمد خانی، عقیده ایمان، عقیده اسلام) را به زبان مادری خود (کرمانجی) نوشت و به ملت خود ارزانی داشت. احمد خانی تمام عمر خویش را در امور فرهنگی، ادبی، و اجتماعی ملت خویش سپری کرد. رحمت خدا بر تربیت پاک این بزرگ مرد تاریخ باد.

همانطور که ویلیام شکسپیر شاعر و نمایشنامه نویس انگلیسی (William Shakespeare, 1564 – 1615 AD) بعنوان نویسنده ای ملی و زبردست در فرهنگ و زبان و ادب انگلیسی شهره عام و خاص است، ویلیام شکسپیر واقعه تراژدی دو عاشق و معشوق (Romeo and Juliet) داستانی قدیمی که حقیقتی رنج انگیز و دردآور بود را استادانه بصورت اتفاقی پرماجرا، شگرف و پرهیجان ملی به رشته تحریر کشاند و با آن اتحاد و شور ملی را برانگیخت. احمد خانی نیز با آثار گرانبور خود بویژه مثنوی مم و زین خانه فرهنگ و زبان و ادب کردی را آباد و جاودانه کرد.

همانطور که نویسنده اسپانیایی میگل سروانتس (Miguel de Cervantes, 1547 – 1616 AD) با نوشتن رمان (داستان بلند) خیالی **دُن کیشوت** (Don Quixote) در سال ۱۶۰۵ میلادی، موثرترین و پایداترین کار ادبی را در آفرینش ادبیات مدرن اسپانیایی عرضه داشت، در واقع با این داستان ماجراجویانه و مخاطره آمیز، به شیوه ای حماسی رزمی در راستای افسانه پردازی اسطوره ای، دلیری و ملی گرایی اسپانیا را بعنوان مهمترین اثر اندیشه سیاسی در دل تاریخ برای همیشه به رشته تحریر کشانده است. مم و زین نیز، بعنوان اثری منظوم و پر افتخار، یکی از بزرگترین حماسه های عالم و مهمترین اثر اندیشه سیاسی ملت کرد در دل تاریخ و شاهکار زبانی فرهنگی ادبی کردی، و بزرگترین سند هویت و حماسه ملی ملت کرد در جهان است که میهن پرستی کردی و کردپوری را به ابدیت و ازلیت گره زده است و پابندگی میهن کردستان را در میان ملل جهان تضمین و تصدیق نموده است.

ابوالقاسم فردوسی طوسی (Abu'l-Qasim Firdousi Tûsi, 940-1020 AD) حماسه سرا و یکی از شاعران مشهور عالم و ستاره درخشنده آسمان ادب فارسی و از مفاخر نامدار پارسی است که به علت همین عظمت مقام و مرتبت، سرگذشتش با افسانه و روایات مختلف در آمیخته است. فردوسی به ذکر افتخارات ملی علاقه داشت و

وقتی تاریخ میهن خود و افتخارات گذشته آن را در خطر نیستی و فراموشی یافت زندگی خود را به احیاء تاریخ گذشته مصروف داشت تا شاهنامه را با همه رونق و شکوه و جلالش، جاودانه برای میهنی که می خواست جاودان باشد، باقی گذارد.

ابوالقاسم فردوسی، نظم شاهنامه ای را که قبلاً به امر ابومنصور سپهسالار خراسان توسط دقیقی شاعر توسی بنام شاهنامه ابومنصوری فراهم آورده بود را دنبال کرد. ابوالقاسم فردوسی به کمک دیگران به شاهنامه و نظم داستانهای قهرمانی دست یازید، بدین قصد که کتاب مدون و مرتبی از داستانها و تاریخ کهن را ترتیب دهد. ابوالقاسم فردوسی با یاری جستن از نسخه های قدیمی شاهنامه ابومنصوری و شاهنامه بایسنقری، و با منظم کردن داستانهای قدیمی مثل داستان " بیژن و گرازان " ، " رستم و سهراب " ، " بهرام گور " و داستانهای دیگر اثر خود را به پایان رساند (در سال ۱۰۰۰ میلادی) و آن را بنام خود یعنی شاهنامه فردوسی به ثبت رسانید، که افتخار بزرگی است.

احمد خانی، شرح احوال، پیروزیها، شکستها، ناکامیها و دلاوریهای جامعه کرد، و کشمکشهای ملی کردی را در داستان حماسی و ماجراجویانه مم و زین بسیار استادانه، ماهرانه، شاعرانه، عارفانه و فیلسوفانه در مسیر حوادث تاریخی فرهنگی ملت کرد به رشته تحریر کشانده است. همانطور که در دنیا مرسوم بوده تمام آثار حماسی بزرگ (مثل شاهنامه فردوسی برای پارسیان، شاهنامه مم و زین برای کردها) در آغاز و شاید برای مدتی مدید بصورت داستانهای حماسی در میان مردم دهان به دهان و از نسلی به نسلی سینه به سینه منتقل می گشت تا اینکه شاعری توانا و زبردست با ذوق و سلیقه ای سرشار از امید پدیدار می شود و اثری بزرگ از آنها می آفریند. احمد خانی با به نظم کشاندن حماسه های ملی کردها و تدوین مم و زین در میان جامعه کردی شهرت بسزایی دارد، و در میان جامعه نویسندگان زبردست دنیا نیز عزیز و دارای قدر و منزلت است. و البته که جا دارد بر پایه مم و زین کتابها نوشته شوند، تحقیقات و پژوهشها شوند، و فیلمها ساخته شوند که این خود ستون و پایه های ملی گرایی ملت کرد را عمیق تر، مستحکمتر و پربارتر می کند، و اندیشه کردپرووری و تداوم فرهنگ غنی کردی در سرزمین مادری، کردستان، را محبوبتر و پر رهرو می کند.

احمد خانی حماسه سرایی که عارفانه و عاشقانه، مثنوی مم و زین (شاهنامه ملی کرد) را تنظیم نموده است در میان ملت کرد بسیار عزیز و گرانقدر است. در واقع مم و زین بعنوان یکی از مهمترین آثار داستانی حماسی است که از روی واقعتهای جامعه کردی زبردستانه به رشته تحریر در آمده است. مم Mem قهرمان اسطوره ای این داستان در واقع روایت و حکایت عشق و شیدایی Memê Alan می باشد که در حدود قرن چهارم قبل از میلاد اتفاق افتاده و دهان به دهان به نسلهای بعدی منتقل شده است. سیستم ملوک الطوایفی ایل آلان Alan در جنوب دریای ارومیه (نواحی سردشت و پیرانشهر امروزی) که چند قرن دوام داشت، و بعدها در این منطقه حکومت نیمه مستقل اردلان (Ardalan / Ard-Alan) به مرکزیت سنه یا سنندج شکل گرفت (میلادی ۱۸۶۷ - ۱۱۶۹). یکی از دلایل و در واقع مهمترین دلیلی که حماسه مم و زین برای همیشه در گنجینه ملی فرهنگی ملت کرد به جاودانه خواهد ماند همانا بیان ماهرانه و افتخارآمیز ملی گرایی کردی (ملت سازی کردی) و هویت والای کردیت است که آن را به زبان کرمانجی در غالب عشقی حماسی به شیوه ای بسیار زیبا، خردمندانه و روشنگرانه به رشته تحریر در آورده و به نظم کشیده است.

مم و زین، بسان کاریزی روان در دل تاریخ جاری، و کردیت و هویت کردی را تا ابد آبیاری می کند. مم و زین، میهن کردستان را از مرزهای جغرافیایی آن گرفته تا آموزه های فرهنگی ادبی هنری، بینشهای علمی فلسفی، جامعه شناختی و ساماندهی امور اجتماعی به تحریر کشانده و با قلمی پرتوان، و با شیوایی و بلاغت و فصاحتی بی همتا، ملت کرد را استادانه تزیین و سرزمین ابا اجدادیش کردستان را ماهرانه آذین بندی نموده است. احمد خانی کانون پایدار ادبیات کردی را قویتر، پربارتر و بروزتر می کند و از طرفی دیگر زبان کرمانجی را انسجام و استحکام می بخشد (گرچه عربی زبان علمی آن روزگاران بوده است)، در واقع کتاب مم و زین دکنترین فرهنگی و ادبیاتی جامعه کردی را بیان و مدرن می دارد و ملت کرد را در میان دیگر ملت های جهان سربلند و دارای جایگاهی مناسب و شایسته می کند.

احمد خانی نقش زبان و ادبیات کردی را آنچنان مهم می دانست که شخصیت ملی و همبستگی سیاسی کردستان را در بقای آن می دید، و می دانست که مردم کرد بایستی دریابند که حیلت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آنها بعنوان ملت کرد رهین زبان و ادبیات آنان است. شخصیت ملی بدنبال خود میهن دوستی را به ارمان می آورد و میهن دوستی نیز اساس ماندگاری یک ملت است. الحق که احمد خانی ادیب بزرگ ملت کرد برای همیشه عزیز است.

جا دارد که مسئولان و دست اندرکاران در کردستان اولاً بارگاه مرقد این شیر مرد خفته در قلب زمین را مطابق با لیاقت ایشان و شایستگی ملی بازسازی و مرمت کنند. ثانیاً در کنار مرقد پاک وی هر ساله برای سالگرد و بزرگداشت ایشان، مراسم جشن و سرور و شادی همراه با رقص و پایکوبی کردی بیافرینند، تا مردم کرد از هر کجای کردستان و دنیا در آن شرکت کنند، و این مراسم را با موزیک کردی و نغمه هایی از شاهنامه ملی کرد (مثنوی مم و زین) بیارایند، و این روز را بعنوان **روز ملی کرد جهانی** کنند (شاهنامه ملی کرد را از طریق کمیته ملی حافظه جهانی یونسکو در سازمان ملل بعنوان نشانی از سوی ملت کرد به ثبت برسانند)، و بدینوسیله شور ملی گرایی و شوق هویت طلبی جوانان کرد را مضاعف و رستگاری میهن خویش را توان بخشند.

نام احمد خانی در درازای تاریخ برای همیشه زنده است: روحش شاد، پاینده کردستان.

دکتر افراسیاب شکفته
آوریل ۲۰۱۱
لندن - انگلیس

.....

چشمه ای از شاهنامه ملی کرد (قسمت یا قصیده شماره ۱۳)

Mîr destûra xortan (ciwanan) dide ji bo çûyina cejna Newerozê
میر (امیر / ایل بگ / پادشاه منطقه) فرمان شرکت کردن جوانان در جشن عید نوروز را می دهد

Wê roja ku şewq dida ezmanan
Dema li borca hemel şewq vedan

در آن نروزی که نور و روشنایی به آسمانها ساطع می شد
زمانی که فروردین ماه روشنایی خود را به ارمان آورد

Dîsa ku sersal geş û hem şîn bû
Mîr destûrek da wan lawan ji nû

باز هم سر آغاز سال جدید خجسته و سرسبز شد
میر (والی منطقه) دستور جدیدی به جوانان داد

Çawa ku ciwanan destûr hilgirtin
Wek evîndaran rabûn hevdu girtin

همینکه جوانان آن دستور را گرفتند
همانند عاشقان قیام کردند و بهم پیوستند

Bi hev ra çûne cejn û sersalan
Da temaşe kin li bejin û balan

با همدیگر به جشن سرآغاز سال جدید رفتند
تا به قد و بالای دختران زیباروی تماشا کنند

Lê ji wan tenê Memo û Tajidîn
Cilên xwe bi yê keçan guhertîn

اما از میان همه آنها فقط مَم و تاج الدین
لباسهای خود را با لباس دخترانه تعویض کرده بودند

Xwe di nav hevrişim da rapêçan
Li serî desmal û kofî pêçan

خود را با لباس دخترانه ابریشمی آراستند
به سر دستمال و روسری چارقد کردی بستند

Kagul kiribûne tureyê her sû
Perçem kiribûne bisk û gîsû

موهای کاکل پیشانی خود را به هر سو مجعد کرده بودند
موهای شقیقه را بصورت زلف و گیسوی دختران درآوردند

Wisa xwe xistin rengê keçikan
Da ku bêtirs bigerin li nav wan

بدینوسیله خود را به رنگ دختران درآوردند
تا که بدون هیچ ترسی در میان دختران بگردند

Ku li xwe kirin cilên keçikîn
Hêdî hêdî û sergiran meşîn

پس از پوشیدن لباسهای زیبا و دلبرانه دخترى
آرام آرام و سرسنگین سیر و سلوک کردند

چشمه ای از شاهنامه ملی کرد (قسمت یا قصیده شماره ۶ ۲۹)

Gazinkirina Zînê li Sitîyê (gepkirina Hûrîyê li Perîyê)

گله و گازی کردن زین (زینت / آرایش شده / زیبا) برای سستی (ستاره / بانو / خانم / خاتون)
(بعبارت دیگر مصاحبت حوری برای پری)

Berê xwe dida Sîfî yêkcaran

Gazîn dikirin bi vî rengê han:

گاهگاهی به سستی بعنوان مخاطب نگاه می کرد
و بدین رنگ و شیوه گلایه ها می کرد:

Digot: Ey can û giyana Zînê

Ronîya çavên vê yara dînê

می گفت: ای جان و روح زین (زینت خانم)
ای نور چشمهای بینای این یار دیوانه

Hemşadî û hemcefa û hemdem

Hemgoşt û hestî û çerm û hemdem

شادی همدیگر و جفای هم و همدم هم بودیم
هم گوشت و استخوان و پوست و همدم هم بودیم

Hemşîre û hemcenah û hemser

Hembîze, hemaşîyan û hemper

همشیر (خواهر هم) و هم تبار و با هم نشست و برخاست داشتیم
در بغل یک مادر، در یک آشپان و در یک رخت بودیم

Xwişka ku xoyên min û wê yek in

Lê bextê min û wê ne bextek in

خواهری که طبیعت من و او یکی است
اما بخت من و او یکی نیستند (بخت من ناموفق)

Sed sipas ku bextê te hat ba te

Çawa te dixwest xwedê ew da te

صد سپاس که تو به بخت خود رسیدی
همانکه تو می خواستی خدا به تو داد

Sed şukir bextê te bû yar
Stêrka te ji bo te bû alîkar

صد شکر که بخت با تو یاری شد
طالع (ستاره شانس) تو برای تو مساعد شد

Bextê min eger çi zêde reş hat
Ew qismet e bo me zêde xweş hat

اگرچه بخت من خیلی سیاه شد
این قسمت است برای ما خیلی خوش آمد

Teqşîma xeman ji bo min ra bû
Teqşîra ezel yeqîn wisa bû

سهم غمها برای من شد
روزگار (فلک) این را برای من گزید

Şahî ji te ra û xem ji bo min
Tajidîn ji te ra û Mem ji bo min

شادی برای تو و غم برای من شد
تاج الدین برای تو و مم برای من شد

Xem çinku li sûretê Memê ne
Loma xem ji min ra li ser xemê ne

چونکه غم و درد در چهره و شانس مم است
بهمین خاطر برای من غم بروی غم می آید



Mem û Zîn (love story 4th century BC, mythological Kurdish hero)